

شماره هشتم بهمن ماه
۱۳۳۱ شمسی

از معنا

سال یست و پنجم
شماره ۸

تاسیس بهمن ماه ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : مرحوم و حید دستگردی)

(مدیر و نگارنده : وحید زاده - نسیم دستگردی)

بقلم : آقای مرتضی مدرسی چهاردهی

ابن سینا و محقق سبزواری

-۱-

محقق سبزواری «حاج ملاهادی سبزواری» در دوره تالیفات فلسفی خود در بعضی از معتقدات و آراء فلسفی با شیخ‌الرئیس ابن سینا مخالف بوده و انتقاداتی درین زمینه دارد که درین بحث خلاصه آنرا در اینجا می‌نویسیم:

حکماء مشائی مانند ابوعلی سینا ادراک کلیات را مفهوم های ذهنی و نوع جنس منتزع از افراد خارجی میدانند و برعکس محقق سبزواری مانند حکمای اشراق قائلند که مفاهیم انواع و کلیات عقلیه امور ذهنی منتزع از افراد خارجی نیست بلکه مفاهیم مزبور در عالم نفس عنوانات حقایق عقلیه و اشراقات انوار قاهره عالم مجردات است یا به تعبیر دیگر عکس های عقول مجرد است که در آئینه نفس ناطقه پدیدار می‌گردد یا اتحاد و ارتباط نفس بان حقایق است و هر اندازه نفس ناطقه را صفای ذاتی و ذکاوت فطری یا اکتسابی کاملتر باشد نیل و انصال و ارتباطش بآن حقایق کلیه «کلی سعی و انبساطی نه مفهومی» بیشتر میشود.

(نظری بفسلفه حاج ملاهادی سبزواری)

سبزواری مکتب مستقلی در فلسفه ندارد بعبارت دیگر استقلال فکری نداشته

است وی بیشتر در پیرامون سخنان ملا صدری شیرازی بخصوص در شواهد الربوبیه و کتاب اشعار اربعه مطالعه میکرد و بسیاری از مباحث منظومه و شرح منظومه خود را در امور عامه غالباً از کتاب شوارق ملا عبدالرزاق لاهیجی و در سایر مباحث اغلب از اشعار و شرح اشارات و شرح حکمة الاشراق و بعضی کتب میرداماد مانند قبسات فراهم آورده است امور عامه را نیز در مواردیکه شوارق باسلیقه و مسلک وی وفق نمیداد بکلمات ملا صدرا متوجه بوده است از قبیل مباحث وجود و ماهیت و کلمات ملا صدرا متوجه بوده است منظومه سبزواری که اهم مؤلفات وی است از نظر بلاغت و نظم عربی چندان ارزشی ندارد ولی از جهت مشتمل بودن بر مباحث فلسفه میتوان گفت جامعترین کتابی است که دوره کامل منطق و فلسفه را با کمال اختصار در بردارد شرح منظومه در فلسفه همانند کفایة الاصول در اصول فقه و منطق تجرید در منطق و تجرید در کلام میباشد که کلیه مباحث فن را مطابق آخرین روش معمول فلسفه یعنی فلسفه ملا صدرا را جامع است در شرح منظومه گاهی اتفاقاً مشاهده میشود که مرحوم سبزواری با صدرالدین شیرازی مخالفت کرده ولی پس از امعان نظر دانسته میشود که حاج ملاهادی مخالفت اساسی با ملا صدرا ندارد مثلاً در باب وجود ذهنی که ملا صدرا علم را حقیقة از مقوله کیف دانسته و بالعرض از مقوله معلوم شمرده بدین معنی که اگر معلوم از مقوله کم است کم و اگر از مقوله وضع است وضع ولی حقیقة علم از مقوله کیف است و تحت مقوله معلوم بالعرض است نه بر سبیل حقیقت حکیم سبزواری با وی مخالفت کرده است و همچنین که ملا صدرا علم را از مقوله معلوم بالعرض می شمرد وی علم را هم از مقوله معلوم بالعرض دانسته است و هم از مقوله معلوم بالعرض دانسته است و هم از مقوله معلوم بالعرض دانسته است و هم از مقوله کیف بالعرض است و بلکه علم را از سنخ وجود دانسته که تحت هیچ مقوله واقع نمیشود بنا بر این جمع بین دو قول ملا صدری شیرازی و جلال الدین محقق دوانی کرده است یعنی دوانی علم را از مقوله کیف میدانند بالعرض و ملا صدرا علم را از مقوله کیف میدانند حقیقة. پس ملا جلال الدین علم را از مقوله معلوم میدانند با لذات و از مقوله کیف میدانند بالعرض و ملا صدرا علم را از مقوله معلوم میدانند بالعرض و از مقوله کیف میدانند بالذات مرحوم سبزواری بین این دو قول جمع کرده است.

از هر يك چیزی گرفته و چیزی حذف کرده است پس از قول ملا صدرا این مطلب را هم که از مقوله معلوم است بالعرض گرفته و این قول را که از مقوله کیف است با لذات آنرا ترك کرده است و از قول ملا جلال الدین که علم از مقوله معلوم است بالذات ترك کرده و این مطلب را که علم از مقوله کیف است بالعرض پذیرفته است بنابراین سبزواری علم را (وجود ذهنی) از مقوله کیف میداند ولی بالعرض و از مقوله معلوم میدانند ولی بالعرض پس علم را در تحت هیچ مقوله ای دانا نمیداند بلکه آنرا از سنخ وجود می شمارد که تحت هیچ مقوله نیست و این مطلب را مرحوم سبزواری از سخنان ملا صدرا در باب علم و واجب و از مذهب او در این باب که از سخنان صوفیه اقتباس و تشریح شده است گرفته است مطلب تازه نیست بلی این مطلب در باب وجود ذهنی تازگی دارد ولی عیناً همان است که ملا صدرا و خود حاج ملا هادی بمتابعت وی در باب علم و واجب بدان رفته اند (ص ۳۰ - ۳۳ از شرح منظومه چاپ ناصری) و نیز ایراد وی بر ملا صدرا در باب اتحاد عاقل و معقول که در شرح منظومه ص ۳۳ و ص ۱۵۸ بر ملا صدرا وارد آورده مسلك و برهان تضایف ملا صدرا را در باب اتحاد عاقل و معقول ناتمام دانسته علاوه بر اینکه شارحین دیگر کلام ملا صدرا را بر سبزواری زد کرده اند در اصل مطلب با ملا صدرا اختلافی ندارد بلکه کاملاً با اتحاد عاقل و معقول معتقد است و همه چنان از وی پیروی کرده است.

و باز در تعلیقات مرحوم سبزواری بر کتباب اسفار و در بیان شرح مطالب ملا صدرا در شرح منظومه ص ۲۶ - ۲۸ در باب اینکه وجود بسیط است و جزء چیزی نیست ایراداتی مرحوم آقاعلی زرنوزی در کتاب بدایع الحکم چاپ تهران بر سبزواری وارد کرده است چه مقصود ملا صدرا را بنحوی در اینجا نیافته بود و برهان وی را بنحوی که شایسته است تقریر کند و در تقریر آن با اشتباه افتاده است و همین مطلب ملا صدرا را دانشمند معظم آقای سید محمد مشکوة در رساله کلمة التوحید (چاپ تهران) بنحوی بیان و تقریر نموده اند که ایرادات آقا علی مدرس بر آن تقریر اصلاً نمی آید و باز در باب وجود رابط از مصطلحات (لفظی) مخصوصه سبزواری است ص ۵۶ - ۵۷ در اینجا مطلب تلزم ذکر نشده است و نیز حدوث اسمی ص ۷۶ - ۷۸

از شرح منظومه از مصطلحات خاصه خود دانسته است و آن نیز مطلب اساسی و تازه نیست و فکر جدیدی بر سخنان ملا صدرا نیفزوده است.

حاج ملا هادی سبزواری با وصف اینکه بکتاب و مصنفات ملا محسن فیض کاشانی چندان مانوس نبوده است معذک در مصنفات خود از جهت استشهاد بآیات و اخبار از فیض کاشانی پیروی کرده است.

کتاب شرح اسماء الحسنی و شرح دعای صباح و اسرار الحکم و حتی حواشی او بر شرح منظومه و گاهی متن آن کتاب نیز از آیات و اخبار و اشعار عرفا و ذوقیات انباشته است حواشی حاج ملا هادی سبزواری بر اسفار گرچه مفید است ولی حواشی مرحوم ملا علی نوری بر روشن کردن متن اسفار بیشتر کمک میکند.

نظر باینکه حاج ملا هادی سبزواری در علوم دینی نیز دستی داشته گاهی در مباحث فلسفی هم بمبانی اصولی و قواعد فقهی وارد میشود چنانکه در تعلیقات اسفار جلد سوم الهیات اخص در باب عشق فصلی که باین عنوان میباشد (فصل فی عشق الظرفاء والفتیان للاوجه احسان) که عیناً این عنوان هم از رساله ابن سینا در عشق و مطالب این فصل از این رساله و از رساله اخوان الصفا در عشق گرفته شده است در باره اینکه برخی از بزرگان مریدان را بصورت پرستی و عشقبازی با جوانان امر و تشویق میکردند و این دستور با احکام ظاهری شرع مخالفت دارد حاج ملا هادی سبزواری در حاشیه بر کتاب اسفار گوید: اجتماع امر و نهی در یک موضوع جایز است چنانکه در مورد نماز در خانه غصبی و بیرون رفتن از مکان غصبی ملاحظه میشود چه در عین حال که شخص به بیرون رفتن از مکان غصبی مامور است از تصرف در مکان غصبی ممنوع است پس در عین حال که برای بیرون رفتن از جای غصبی کام میگذارد از همین کام گذاشتن که نحوی از تصرف است ممنوع است بنابراین ممکن است متوسطین از سالکان بعشقبازی با خوب رویان مامور باشند با وصف اینکه همین امر در شرع انور ممنوع است و سر اینکه مامورند این است که همه علایق مادی را بگسلند و بیک چیز روی نیک و عشق ورزند تا در نتیجه هنگامیکه بمعایب آن برخوردند بکباره علایق عالم طبیعت را فرو گذارند مرحوم سبزواری ذوقی عرفانی نیز داشته و گاهی با برخی از عرفا نیز مناظره نظمی داشته است.